



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته ی الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی

بررسی فقهی و حقوقی مالکیت معنوی

توسط:

نسرین کدیوریان

استاد راهنما:

دکتر ظاهر علی محمدی

استاد مشاور:

دکتر عبدالجبار زرگوش نسب

بهمن ۱۳۹۳



این نوشته را ضمن تشکر و سپاس بی کران و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می نمایم
به ساحت مقدس:

"جواد الائمه (ع)"

که از انفاس سبحانی اش، مردگانِ جهل، به زندگانی جاویدِ معرفت خواهند رسید؛
زبان گویای همه پاکی ها و پاسدار همه شرافت هاست. باشد که این اندک تلاش،
قطره‌ای باشد در برابر دریای بی کران دانش آن معصوم.

و تقدیم به پدر و مادرم :

آنان که قامتشان برای حفظ آبرویم خمیده شد، به حق راست قامتان، سایه شان بر
سرم پایدار بماند. آن اسوه های فداکاری که جوانی شان را با بچگی هایم پیر کردم.
هزاران بار زمین خوردند تا من یکبار بایستم؛ حاصل دستان خسته شان رمز موفقیتیم
شد. امیدوارم مرا به موی سپیدشان ببخشند.

الهی پدر و مادرم را از کسانی قرار بده که آتش به آنها خواهد گفت: گذر کن؛
همانا نور تو، نور مرا خاموش کرد.



سپاسگزاری:

ستایش مخصوص خداوند یکتاست؛ آن نخستین بی آغاز و آن واپسین بی انجام که شیوهی سپاسگزاری از خود را به ما آموخت و در نیاز را، جز به درگاه خویش از همه سو بر ما بست. درود و صلوات بی شمار بر ارواح پاک معصومین (ع) و پیامبر امین (ص) که پیشوای رحمت، قافله سالار نیکی و کلید گنجینه‌های برکت است.

با تقدیم احترام و سپاس فراوان:

به محضر اساتید بزرگوارم که نیک می اندیشند، در مسیر فراگیری علم و دانش، راه را برایم هموار ساخته و طریق رسیدن به هدف را از وجود پر برکتشان آموختم.

سپاس بی کران نثار استاد شریف و گرامی **جناب آقای دکتر طاهر علی محمدی** که با صبر و فروتنی زحمت راهنمایی این پایان نامه را بر عهده داشتند، بی شک اتمام این نوشته را مدیون حضور سبز و زحمات بی دریغ ایشان هستم.

و با تقدیم سپاس فراوان از زحمات استاد بزرگوارم **جناب آقای دکتر عبدالجبار زرگوش نسب** به دلیل یاری بی چشمداشت ایشان که زحمت مشاوره‌ی این مجموعه را بر عهده داشتند و در این مسیر بسیاری از سختی‌ها را برایم آسان نمودند. از خداوند متعال طول عمر پر برکت، سلامتی تن و موفقیتی روزافزون را برای این عزیزان خواستارم.

چکیده

مالکیت اضافه و نسبتی اعتباری بین شخصی است که مالک نام دارد و شیء ای که مملوک نامیده می شود، به اعتبار نسبتی که به شخص پیدا کرده است. بنابراین مالکیت که ریشه ای فطری دارد و عقلا بر اساس انگیزه عقلایی آن را اعتبار می کنند، صرفا در عالم اعتبار تحقق می یابد. مالکیت به طور کلی، به دو نوع مادی و معنوی قابل تقسیم است. گاهی متعلق مالکیت یک شیء خارجی است؛ در این صورت آن را مالکیت مادی می نامند و گاهی متعلق آن در عالم خارج وجود ندارد و معلول فکر است که مالکیت معنوی نامیده می شود. مالکیت معنوی که همان مالکیت غیرمادی می باشد، امتیازی است که موضوع آن آفرینش های فکری، خلاقیت، ابداع و نوآوری هایی است که در نتیجه تلاش پدیدآورنده ی آن در اختیار جامعه قرار می گیرد. با توجه به اینکه حجم وسیعی از حقوق افراد مربوط به حقوق معنوی آنها است و نقض مالکیت های معنوی می تواند سهل تر از نقض حقوق مالکیت های عینی صورت پذیرد، لذا شناسایی این مالکیت ها و حقوق معنوی، در جهت حفظ و احترام به این حقوق و عدم نقض آنها ضرورت و اهمیت خود را می یابد. با توجه به این که این نوع مالکیت ها ملموس نیستند، ابهاماتی در خصوص مالیت داشتن آنها، مدت زمان حمایت از این گونه آثار، نحوه ی ایراد خسارت بر این مالکیت ها و چگونگی جبران آن وجود دارد که می طلبد به آن پرداخته شود. در رابطه با حقوق مالکیت معنوی رویه ی واحدی وجود ندارد و اعتبار بخشیدن به حقوق مذکور، محل بحث فقها و حقوق دانان معاصر می باشد. عده ای از فقها و حقوق دانان با در نظر داشتن ارزش والای آفرینش های فکری خواستار حمایت جدی و فراهم ساختن زمینه های رشد و پیشرفت مالکین حقوق معنوی هستند؛ در مقابل عده ای معتقدند که حمایت از مالکیت های معنوی می تواند مانعی جدی در برابر توسعه و پیشرفت جامعه باشد. در پژوهش حاضر که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، با بیان و تشریح اقسام حقوق مالکیت معنوی و با تکیه بر دلایلی؛ از جمله لزوم احترام نسبت به عمل مسلمان، لزوم حمایت از پدیدآورندگان آثار فکری، رعایت حقوق مادی و معنوی آنها و ضرورت نفی ایراد خسارت و ضرر، مالکیت معنوی معتبر شناخته شده است.

واژگان کلیدی: حق، مال، مالکیت، مالکیت معنوی، آثار فکری

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات تحقیق و مفاهیم	
۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی.....	۴
۲-۱. ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق.....	۵
۳-۱. اهداف تحقیق.....	۵
۴-۱. پیشینه علمی موضوع تحقیق.....	۵
۵-۱. سوال‌های تحقق.....	۷
۶-۱. شرح روش تحقیق.....	۷
۷-۱. اصطلاحات و تعاریف.....	۷
۸-۱. تاریخچه‌ی پیدایش اندیشه‌ی حقوق مالکیت معنوی.....	۱۲
فصل دوم: ماهیت مالکیت معنوی، اوصاف و مصادیق آن	
۲-۱. مالکیت در اسلام.....	۱۶
۲-۲. مالکیت معنوی.....	۱۸
۳-۲. ماهیت حقوق مالکیت معنوی.....	۱۹
۴-۲. اوصاف حقوق مالکیت معنوی.....	۱۹
۱-۴-۲. محدود بودن به زمان.....	۲۰
۲-۴-۲. انتقال پذیری حقوق مادی.....	۲۰
۳-۴-۲. انتقال ناپذیری حق معنوی.....	۲۱
۴-۴-۲. مالیت داشتن حقوق معنوی.....	۲۲
۵-۲. اقسام حقوق مالکیت معنوی.....	۲۶

- ۲۷..... ۱-۵-۲ مالکیت صنعتی و تجارتي
- ۲۷..... ۱-۱-۵-۲ اسم تجاري
- ۲۸..... ۲-۱-۵-۲ علائم صنعتی و تجاری
- ۲۹..... ۳-۱-۵-۲ حق اختراع
- ۳۰..... ۴-۱-۵-۲ دانش فنی
- ۳۰..... ۵-۱-۵-۲ اسرار تجاری
- ۳۱..... ۶-۱-۵-۲ نشان‌های جغرافیایی
- ۳۲..... ۷-۱-۵-۲ گونه‌های گیاهی جدید
- ۳۳..... ۲-۵-۲ حقوق مالکیت ادبی، علمی و هنر
- ۳۴..... ۱-۲-۵-۲ حق التألیف
- ۳۵..... ۲-۲-۵-۲ حق تألیف و شبکه‌ی اینترنت
- ۳۶..... ۳-۲-۵-۲ آثار نوشته‌ی اصلی
- ۳۶..... ۴-۲-۵-۲ آثار نوشته‌ی فرعی
- ۳۷..... ۵-۲-۵-۲ آثار سمعی و بصری
- ۳۷..... ۱-۵-۲-۵-۲ اثر رادیویی
- ۳۸..... ۲-۵-۲-۵-۲ اثر تلویزیونی
- ۳۹..... ۳-۵-۲-۵-۲ آثار موسیقی و صوتی
- ۳۹..... ۴-۵-۲-۵-۲ اثر تجسمی
- ۴۰..... ۳-۵-۲ تولیدات اینترنتی و نرم افزارهای رایانه‌ای
- ۴۲..... جمع بندی

فصل سوم: مبانی مشروعیت مالکیت معنوی

- ۴۶..... ۱-۳ دلایل فقهی موافقان حقوق مالکیت معنوی
- ۴۷..... ۱-۱-۳ سیره عقلا
- ۴۹..... ۲-۱-۳ اصل صحت
- ۵۰..... ۳-۱-۳ مفاد قاعده سبق

- ۳-۱-۴. قاعده احترام مال مردم ۵۲
- ۳-۱-۵. قاعده لاضرر ۵۵
- ۳-۱-۶. ارزش نتایج حاصل از کار انسان ۵۷
- ۳-۲. دلایل حقوقی موافقان حقوق ملکیت معنوی ۵۸
- ۳-۲-۱. اعتبار عرفی حقوق مالکیت معنوی ۵۸
- ۳-۲-۲. حمایت از حقوق مالکیت معنوی ، پشتوانه توسعه اقتصاد جهانی ۵۹
- ۳-۲-۳. توسعه ابتکار و خلاقیت و پیشرفت علمی و اقتصادی جامعه ۵۹
- ۳-۲-۴. جلوگیری از تضییع حق صاحبان آثار ۶۰
- ۳-۲-۵. اعتبار یافتن حقوق مالکیت معنوی در قوانین اسلامی ۶۱
- ۳-۳. دلایل مخالفان حقوق مالکیت معنوی ۶۲
- ۳-۳-۱. حفظ قداست علم و نهی از کتمان علم ۶۴
- ۳-۳-۲. ممنوعیت اخذ اجرت نسبت به انجام واجبات ۶۵
- ۳-۳-۳. ناسازگاری حقوق مالکیت معنوی با قاعده‌ی تسلیط ۶۷
- ۳-۳-۴. عدم تنفیذ مالکیت معنوی از طرف شارع ۶۸
- ۳-۳-۵. مشمول نبودن حقوق مالکیت معنوی تحت عمومیت " اوفوا بالعقود " ۶۹
- ۳-۳-۶. شخصی و انحصاری نبودن حقوق مالکیت معنوی ۷۰
- ۳-۴. دلایل حقوقی مخالفین عدم مشروعیت حقوق مالکیت معنوی ۷۱
- ۳-۴-۱. ایجاد لطمات فرهنگی و اقتصادی به جامعه ۷۱
- ۳-۴-۲. منافات داشتن انحصار حقوق مالکیت معنوی با منافع جامعه ۷۲
- جمع بندی ۷۳

فصل چهارم: ایراد خسارت بر مالکیت معنوی

- ۴-۱. مفهوم خسارت ۷۶
- ۴-۲. اقسام خسارت و ضرر ۷۸
- ۴-۲-۱. عدم النفع و امکان مطالبه‌ی آن ۸۰
- ۴-۳. تجاوز به حق ۸۲

۸۳	۱-۳-۴. تجاوز به حقوق مادی.....
۸۴	۲-۳-۴. تجاوز به حقوق معنوی
۸۶	۴-۴. نقض مالکیت معنوی
۸۶	۱-۴-۴. نقض حق اختراع
۸۸	۲-۴-۴. افشای اسرار علمی و تجاری.....
۹۰	۳-۴-۴. استفاده از نام و علامت تجاری دیگری.....
۹۲	۴-۴-۴. نقض حقوق نشان‌های مبدأ جغرافیایی و تقلب در معرفی کالا.....
۹۳	۵-۴-۴. نقض کپی رایت.....
۹۳	۱-۵-۴-۴. سرقت ادبی.....
۹۶	۲-۵-۴-۴. مسئولیت مدنی نقض حقوق مؤلف
۹۷	۵-۴. دلایل لزوم جبران خسارت.....
۹۷	۱-۵-۴. قاعده احترام مال مردم
۹۹	۲-۵-۴. قاعده اتلاف
۱۰۰	۳-۵-۴. غضب.....
۱۰۱	۴-۵-۴. قاعده ضمان.....
۱۰۳	۶-۴. مسئولیت کیفری و معاهدات بین المللی
۱۰۴	۱-۶-۴. معاهدات در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری
۱۰۴	۱-۱-۶-۴. میثاق برن.....
۱۰۵	۲-۱-۶-۴. معاهده حق مؤلف "وایپو".....
۱۰۶	۲-۶-۴. قراردادهای بین المللی در زمینه مالکیت صنعتی.....
۱۰۶	۳-۶-۴. تعیین محاکم صالح برای رسیدگی به دعاوی مربوط به مالکیت معنوی.....
۱۰۷	جمع بندی

فصل پنجم: زوال حقوق مالکیت معنوی

۱۱۰	۱-۵. حق مادی.....
۱۱۱	۱-۱-۵. حقوق مادی پدید آورنده.....

۱۱۱	۱-۱-۱-۵. حق نشر و تکثیر.....
۱۱۱	۲-۱-۱-۵. حق عرضه و اجرا و پخش.....
۱۱۱	۳-۱-۱-۵. حق ترجمه و تبدیل و اقتباس و تلخیص.....
۱۱۲	۲-۵. حق معنوی.....
۱۱۳	۱-۲-۵. حق اخذ تصمیم درباره‌ی انتشار.....
۱۱۳	۲-۲-۵. حق حرمت نام و عنوان پدیدآورنده.....
۱۱۴	۳-۲-۵. حق حرمت اثر.....
۱۱۴	۳-۵. زوال مالکیت معنوی.....
۱۱۵	۱-۳-۵. اسباب زوال مالکیت معنوی.....
۱۱۵	۱-۱-۳-۵. اسقاط.....
۱۱۷	۲-۱-۳-۵. انتقال مالکیت.....
۱۱۸	۱-۲-۱-۳-۵. انتقال قهری.....
۱۲۰	۲-۲-۱-۳-۵. انتقال ارادی.....
۱۲۸	۳-۱-۳-۵. اعراض.....
۱۳۱	۴-۱-۳-۵. انقضای مدت «محدودیت زمانی».....
۱۳۲	۵-۱-۳-۵. فوت مالک.....
۱۳۳	جمع بندی.....
۱۳۴	نتیجه گیری.....
۱۳۷	منابع و مأخذ.....

مقدمه

حقوق در معنای اصطلاحی عبارت است از: «مجموعه‌ی قواعد و نظامات و مقرراتی که برای تنظیم روابط افراد و استقرار نظم در جامعه وضع گردیده و دارای ضمانت اجرایی کافی و مؤثر باشد که این ضمانت اجرا یا در خود آن مقررات هست و یا به وسیله‌ی دولت تأمین می‌گردد. در تقسیمات حقوق متداول، می‌توان گفت که حقوق به دو گونه تقسیم می‌شود: حقوق خصوصی و عمومی. حقوق خصوصی مجموعه قواعد و مقرراتی است که حاکم بر روابط عادی مردم یک جامعه است، بنابراین متضمن قواعد و نظاماتی راجع به خانواده، مالکیت، وکالت، اجاره و به طور کلی عقود و قراردادها می‌باشد و حقوق عمومی روابط افراد جامعه با آن اجتماع و یا با تأسیسات عمومی آن اجتماع و نیز روابط بین دو یا چند اجتماع یا دو یا چند مؤسسه عمومی را تشکیل می‌دهد.

حقوق مالکیت معنوی از جمله‌ی شعبه‌های رشته‌ی حقوق خصوصی است و مانند حقوق خانواده، حقوق کودک و حقوق تعهدات در ذیل عنوان حقوق مدنی که خود، مهم‌ترین شعبه از رشته‌ی حقوق خصوصی است مطالعه می‌شود. دلیل این امر این است که در حقوق مالکیت معنوی، از حقوقی سخن گفته می‌شود که بی واسطه به خود شخص تعلق دارد؛ یعنی بدون اینکه رابطه‌ی حقوق خصوصی بین صاحب این حقوق با اشخاص دیگر به وجود آید تا از این راه او صاحب حقوق مالکیت معنوی شناخته شود، به محض ایجاد محصول فکری، وی دارنده و مالک حقوقی می‌شود که این محصول را احاطه کرده‌اند. به همین جهت، این حقوق را حقوق مالکیت معنوی نامیده‌اند. به عنوان نمونه؛ اگر نویسنده‌ی کتابی بنویسد آن اثر، مجموعه‌ای از حقوق را به دنبال خود می‌آورد که به آن‌ها، حقوق مالکیت معنوی می‌گویند و پیش از چاپ و انتشار آن کتاب و صرفاً به دلیل این که آن اثر به وجود آمده است، به آن تعلق می‌گیرد. با توجه به پیشرفت فناوری اطلاعات، افزایش تعداد اختراعات در کشورها و نیز گسترش شبکه‌های اینترنتی و در نتیجه توسعه‌ی تجارت‌های اینترنتی، موجب شده است که این نوع مالکیت‌ها، امروزه مورد پذیرش تعدادی از فقها و اکثریت حقوق‌دانان قرار بگیرد، تا جایی که قوانین متعددی برای حمایت از آن به مرحله تصویب و اجرا رسیده است.

با وجود این که حقوق مالکیت معنوی امروزه در نظام‌های حقوقی دنیا شناخته شده است و در واقع ارزش والای این حقوق قابل انکار نمی‌باشد، لکن قوانین موضوعی و عرف جامعه آن گونه که شایسته است به موضوع این حقوق نمی‌پردازند. هدف پژوهش حاضر، تلاش در جهت شناساندن هر چه بهتر مفهوم و مصادیق حقوق مالکیت معنوی، بیان دلایل منطقی برای اعتبار بخشیدن به این

حقوق، بررسی راه‌های ایراد خسارت بر این نوع مالکیت‌ها و در نتیجه جلوگیری از نقض آن‌ها می‌باشد.

این پایان نامه از پنج فصل تشکیل می‌شود: در فصل اول به کلیات و مفاهیم، در فصل دوم به ماهیت حقوق مالکیت معنوی، اوصاف این حقوق و مصادیق آن، در فصل سوم به دلایل موافقین و مخالفین حقوق مالکیت معنوی و نقد و بررسی دلایل آنان، در فصل چهارم به نحوه‌ی ایراد خسارت به حقوق مالکیت معنوی، مسئولیت مدنی و ضمانت اجرای کیفری عامل خسارت و در فصل پنجم به اسباب زوال حقوق مالکیت معنوی پرداخته می‌شود و در نهایت نتیجه گیری خواهد شد.

فصل اول

کلیات تحقیق و مفاهیم



۱-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی

مالکیت اضافه و نسبی اعتباری بین شخصی است که مالک نام دارد و شیء ای که مملوک نامیده می‌شود، به اعتبار نسبی که به شخص پیدا کرده است. بنابراین مالکیت که ریشه‌ای فطری دارد و عقلا بر اساس انگیزه عقلایی آن را اعتبار می‌کنند، صرفاً در عالم اعتبار تحقق می‌یابد. گاهی متعلق مالکیت یک شیء خارجی است؛ در این صورت آن را مالکیت مادی می‌نامند و گاهی متعلق آن در عالم خارج وجود ندارد و معلول فکر است که مالکیت معنوی نامیده می‌شود. برای مثال، حق تألیف نویسندگان پس از اثبات مالیت برای حقوق معنوی، یک نوع مالکیت معنوی است که مطابق آن، صاحب اثر می‌تواند دیگران را از تقلید، نشر و هر نوع تصرف باز دارد. سازمان جهانی حقوق مالکیت معنوی در تعریف این حقوق مقرر داشته است: «حقوق قانونی که افراد به واسطه فعالیت‌هایی که در زمینه‌هایی از قبیل صنعتی، علمی، ادبی، هنری و... به دست می‌آورند». بنابراین "حق معنوی" حقی است غیر از حق عینی و ذمی، بلکه مزیتی است قانونی و غیر مادی که مربوط به پدید آورنده و برای حمایت از آن است و به صاحب آن اختیار انتفاع انحصاری از فعالیت، فکر و ابتکارش را می‌دهد.

در رابطه با حقوق مالکیت معنوی رویه‌ی واحدی وجود ندارد و اعتبار بخشیدن به حقوق مذکور، محل بحث فقها و حقوق‌دانان معاصر می‌باشد. عده‌ای از فقها و حقوق‌دانان با در نظر داشتن ارزش والای آفرینش‌های فکری خواستار حمایت جدی و فراهم ساختن زمینه‌های رشد و پیشرفت مالکین حقوق معنوی هستند؛ زیرا جامعه به محصولات فکری، ابداعات و اختراعات افرادش نیاز دارد و تأمین جنبه‌های مادی و معنوی حقوق آفریننده‌های فکری می‌تواند تضمین مناسبی به صاحبان آثار مذکور در زمینه‌ی عرضه‌ی آثارشان به جامعه باشد. در مقابل عده‌ای معتقدند که حمایت از مالکیت‌های معنوی می‌تواند مانعی جدی در برابر توسعه و پیشرفت جامعه باشد؛ زیرا قائل شدن به این حقوق، موجب می‌شود محصول فکری منحصرراً در اختیار مالک آن قرار گیرد و ممکن است مالک به دلیل انگیزه‌های مالی از انتشار و عرضه‌ی آن به جامعه خودداری کرده و در نتیجه جامعه را در زمینه‌های علمی و فرهنگی به جوامع دیگر وابسته سازد. پژوهش حاضر در صدد است با بررسی مبانی مشروعیت حقوق مالکیت معنوی، ضمن شناسایی بهتر مالکیت‌های معنوی، ضرورت حمایت از مالکیت‌های مذکور را بیان نموده و راه‌حلی را در زمینه‌ی عدم تضییع این حقوق و حمایت از پدیدآورندگان این آثار پیشنهاد دهد.

۲-۱. ضرورت و اهمیت موضوع تحقیق

کشورها برای حمایت از مالکیت معنوی، دو دلیل مهم دارند. اول دادن وجهه‌ی قانونی به حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان در مورد آثارشان و حقوق جامعه در دستیابی به آن و دوم، بالابردن زمینه‌ی خلاقیت و پخش و انتشار نتایج حاصل از آن و حمایت از تجارتي منصفانه که می‌تواند به توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی کمک نماید.^۱ حجم وسیعی از حقوق افراد مربوط به حقوق معنوی آن‌ها است. با توجه به این‌که مالکیت‌های معنوی مالکیت‌های عینی و ملموسی نیستند، نقض این مالکیت‌ها می‌تواند سهل‌تراز نقض حقوق مالکیت‌های عینی صورت پذیرد. شناسایی این مالکیت‌ها و حقوق معنوی و تبیین درست آن‌ها در راستای آشنایی افراد از حقوق خود و دیگران به منظور احترام گذاشتن به چنین مالکیت‌هایی و جلوگیری از تجاوز به حقوق معنوی افراد، ضرورت و اهمیت خود را می‌یابد.

۳-۱. اهداف تحقیق

هدف اصلی

- شناخت مبانی و احکام مالکیت معنوی در فقه امامیه و حقوق.

اهداف جزئی

- ۱- تبیین جایگاه حقوق معنوی در فقه و حقوق.
- ۲- بررسی ماهیت مالکیت معنوی، اوصاف و مصادیق آن.
- ۳- شناسایی مبانی و ادله‌ی مشروعیت حقوق مالکیت معنوی.
- ۴- شناخت اقسام خسارت معنوی و تبیین شرایط صدق عنوان "متضرر حقوق معنوی" بر افراد.
- ۵- بررسی اسباب زوال مالکیت‌های معنوی.

۴-۱. پیشینه علمی موضوع تحقیق

با توجه به جدید بودن موضوع مالکیت معنوی، در کتب فقهای گذشته بحث و بررسی خاصی روی آن صورت نگرفته است؛ اما برخی از علمای معاصر مطالبی مختصر در این زمینه مطرح کرده‌اند که از

۱- امانی، تقی، قوانین و مقررات حقوق مالکیت فکری، ۲۴.

جمله آن‌ها امام خمینی است. ایشان در کتاب تحریرالوسیله در مقام نفی مالکیت معنوی بر آمده اند^۱ و نیز آیت الله شهید مطهری که به نظر می‌رسد در مورد مالکیت‌های صنعتی به ویژه اختراعات به مالکیت اشتراکی قائل باشد در این باره به اظهار نظر پرداخته‌اند.^۲ موضوع مالکیت معنوی در کتاب "چشم اندازهای فقهی حقوق مالکیت فکری" که توسط آقای جواد عربیان نوشته شده است، مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته، مبانی و ادله‌ی طرفداران و مخالفین این مالکیت‌ها مورد ارزیابی واقع شده و نیز نظر امام خمینی در خصوص آفرینش‌های فکری مورد مطالعه واقع شده است.

علاوه بر این موارد، پایان نامه‌ای با عنوان "مالکیت معنوی" تدوین آقای مرتضی عابدی در سه فصل تنظیم شده است که به مباحثی از قبیل؛ تعریف مالکیت معنوی و ماهیت آن، عناصر و اوصاف مالکیت معنوی و نیز اقسام این نوع مالکیت می‌پردازد. پایان نامه دیگری با عنوان "مطالعه تطبیقی مدت حمایت از مالکیت فکری و مبانی آن" نوشته‌ی سیده نرجس حبیبی تألیف شده که در آن حمایت از حقوق مالکیت معنوی با توجه به حمایت از اشخاص و احترام به شخصیت پدیدآورنده مطرح شده و مدت حمایت از این نوع مالکیت در کشورهای مختلف مورد بررسی واقع می‌شود.

مقالاتی نیز در این زمینه نوشته شده است که از جمله‌ی آن مقاله‌ای است که با عنوان "مبانی فقهی حقوق مالکیت معنوی در فقه شیعه" به قلم آقای مرتضی رحیمی و عباس علی سلطانی نگارش شده است که ضمن مقایسه‌ی ادله‌ی مخالفین و موافقین حقوق مالکیت معنوی، به ادله‌ی مخالفین مشروعیت این حقوق پاسخ داده است. همچنین مقاله‌ی "ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق اموال" تدوین آقای اصغر محمودی به ماهیت حقوق مالکیت فکری، متعلق و موضوع مالکیت فکری، بررسی مالیت این حقوق و نیز زوال مالکیت‌های معنوی پرداخته است.

در پژوهش حاضر علاوه بر این مورد، ضمن بررسی و شرح انواع حقوق مالکیت معنوی در فقه امامیه و حقوق موضوعه، موارد اشتراک و اختلاف فقه و حقوق به دست می‌آید و به ارزیابی ادله و مبانی مشروعیت حقوق مالکیت معنوی پرداخته می‌شود. در این مجموعه با تحقیق در انواع خساراتی

۱- موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، ۶۲۵/۲-۶۲۶.

۲- مطهری، مرتضی، نظری به نظام اقتصادی اسلام، ۵۶.

که قابلیت نقض حقوق مالکیت معنوی را دارند و نیز چگونگی زوال و سقوط حقوق مالکیت معنوی، جنبه‌ی تفاوت و نوآوری با پژوهش‌های پیشین آشکار می‌گردد.

۱-۵. سؤال‌های تحقیق

سوال اصلی:

مبانی مشروعیت مالکیت معنوی در فقه و حقوق و احکام آن چیست؟

سوالات فرعی:

- ۱- مالکیت معنوی در فقه و حقوق چه جایگاهی دارد؟
- ۲- ماهیت مالکیت معنوی، اوصاف و مصادیق آن کدامند؟
- ۳- مبانی و ادله‌ی حقوق مالکیت معنوی چیست؟
- ۴- اقسام خسارت مالکیت معنوی کدامند و صدق عنوان "ضرر مالکیت معنوی" چه شرایطی دارد.
- ۵- اسباب زوال مالکیت‌های معنوی کدام است؟

۱-۶. شرح روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی انجام می‌گیرد. ابتدا منابع مذکور شناسایی می‌شود، سپس با استخراج مطالب مورد نیاز و فیش برداری از مطالب مورد نیاز، به تنظیم، تبیین و تحلیل آن‌ها و نتیجه‌گیری اقدام خواهد شد.

۱-۷. اصطلاحات و تعاریف

حق

حق در لغت به معنای ثبوت می‌باشد. ابن منظور می‌گوید: «حق نقیض باطل و جمع آن حقوق و حقا است»^۱. حق دلالت بر احکام شیء و صحت آن دارد.^۲ این واژه در اصطلاح فقهی به معانی متفاوتی به کار رفته است:

۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۴۹/۱۰.

۲- ابن فارس، ابوالحسین احمد، معجم مقاییس اللغة، ۱۵/۲.

الف- سلطنت؛ گفته شده است: «حق در اصطلاح فقها و عبارات اهل شرع، سلطنت بر فعل خاصی است و ملک، سلطنت بر عین یا منفعت می‌باشد».^۱ امام خمینی معتقد است در نزد عقلا هر ذی حقی دارای سلطنت بر حق خود است و می‌تواند در آن تصرف کند. ایشان در این باره می‌گوید: «حق عبارت دیگری از سلطنت و قدرت اعتباری بر مذکورات نیست، بلکه نزد عقلا هر ذی حقی بر حق خویش سلطه دارد و می‌تواند در آن دخل و تصرف کند».^۲

ب- مرتبه‌ی ضعیفی از ملک؛ به نظر برخی از فقها، حق مرتبه ضعیفی از ملک، و بلکه از لحاظ لغوی نوعی از ملک است، هر چند در اصطلاح در مقابل ملک به کار می‌رود. لذا همان‌طور که در ملک، شخص مالک عین یا منفعت است، صاحب حق نیز مالک مورد حق می‌باشد.^۳

ج- اولویت؛ برخی نیز حق را به معنای ملک پذیرفته و اظهار می‌دارند: حق به معنای اولویت داشتن دارنده آن نسبت به دیگران در مورد چیزی، مانند تملک و احیاء است. اما ملک، رابطه‌ای بین مالک و مملوک است و مملوک اگر شیء معین خارجی باشد، معنای ملک، توانایی هرگونه تصرف در آن است و اگر کلی در ذمه‌ی غیر باشد، معنای ملک، توانایی تحصیل مال از مدیون است.^۴

در اصطلاح حقوقی، حق، آن رابطه‌ی حقوقی است که به سبب آن، قانون به یکی از اشخاص این توانایی را می‌دهد تا به گونه‌ای تک و ویژه بر چیزی معین تسلط و چیرگی یابد «آن تصرف را کند» و یا از شخصی دیگر انجام، یا انجام ندادن چیزی یا کاری معین را بخواهد. بدین‌سان، حق عبارت است از قدرت، امتیاز، سلطه یا خواسته‌ای پیوسته و جدانشدنی که قانون برای یک شخص می‌شناسد. به سخن دیگر، حقوق هر کشوری برای شخص حقیقی یا حقوقی، در برابر دیگران، امتیازی می‌شناسد. این امتیاز که برای حفظ منافع اشخاص در جامعه از سوی قانون داده می‌شود «حق» نام دارد و جمع آن «حقوق» است.^۵

۱- مکارم شیرازی، ناصر، انوارالفقاهه (کتاب البیع)، ۱۹.

۲- موسوی خمینی، روح الله، کتاب البیع، ۴۴/۱.

۳- یزدی، محمد کاظم، حاشیه مکاسب، ۵۵/۱.

۴- اراکی، محمد علی، کتاب البیع، ۱۹-۲۰.

۵- ساکت، محمد حسین، حقوق شناسی، ۴۹.

مالکیت

در تعریف لغوی ملک گفته‌اند: «در بر داشتن شیء و قدرت تصرف مطلق در آن».^۱ در اصطلاح فقه، مالکیت عبارت است از ارتباط شرعی بین شخص و شیء، به طوری که شخص می‌تواند بطور مطلق در شیء تصرف کند و مانع از تصرف غیر در آن شود.^۲ به طور کلی، مالکیت دارای چهار مرتبه مختلف است.

الف- مالکیت حقیقی که عبارت است از: سلطنت کامل بر موجودات به گونه‌ای که اختیار مملوک حدوداً و بقاء، به دست مالک باشد. چنین مالکیتی مخصوص ذات باری تعالی است.

ب- مالکیت انسان بر نفس و اعضا و افعال و ذمه‌اش.

ج- مالکیت مقولی خارجی که عبارت است از: هیأت حاصله از احاطه جسمی بر جسم دیگر و این نوع مالکیت تحت عنوان مقوله «جده» در فلسفه مورد بحث قرار می‌گیرد.

د- مالکیت اعتباری که عبارت است از: اعتبار سلطنت و احاطه یک شخص (مالک) بر یک شیء (مملوک). سه قسم اول از مالکیت، اموری حقیقی و واقعی هستند ولی مالکیت به معنای اخیر، امری اعتباری است که عقلاً یا شارع آن را بر حسب نیاز جامعه اعتبار می‌کنند و حق مالکیت که در فقه و حقوق مورد بحث قرار می‌گیرد، همین مرتبه از مالکیت است. بنابراین مالکیت در اصطلاح فقه و حقوق از مقولات واقعی و اعراض خارجی نیست. به تعبیر روشن‌تر؛ مالکیت امری اعتباری است؛ یعنی حقیقت آن، عین اعتبار عقلاً یا شارع است.^۳

مالکیت در اصطلاح حقوقی، حقی است مطلق، انحصاری و دائمی که شخص نسبت به مالی داشته و می‌تواند از تمام منافع اقتصادی آن بهره‌مند گردد.^۴ از نظر آن که مالک می‌تواند هرگونه انتفاعی را از ملک خود ببرد آن را مطلق گویند؛ از آن جهت که حق مزبور اختصاص به مالک دارد و تمامی افراد باید آن را محترم بشمارند؛ یعنی به حق او تجاوز نمایند، آن را انحصاری گفته‌اند و از آن رو که حق

۱- عبدالرحمان، محمود، معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه، ۳/۳۵۱.

۲- همان.

۳- هنری، امیر، حقوق مدنی - مالکیت زمانی در قوانین موضوعه ایران، ۳۳-۳۴.

۴- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی، ۱/۱۹۶.

مالکیت مقید به مدتی نمی‌باشد، آن را دائمی می‌گویند.^۱ حق مالکیت چون کامل‌ترین حق عینی است و تمامی منافع اقتصادی مال را در بر دارد، با موضوع خود که "ملک" باشد در عرف یکی شناخته می‌شود، بطوری که مالک خانه می‌گوید: "خانه من" بجای آنکه بگوید "من دارای حق مالکیت بر خانه هستم" و بدین جهت حقوقین رومی و هم‌چنین حقوقین جدید در تقسیمات مال، حق مالکیت را در ردیف اموال غیر مادی به شمار نیاورده‌اند با آنکه حق مالکیت از اموال غیر مادی می‌باشد؛ ولی حقوق عینی دیگر؛ مانند حق انتفاع و حق ارتفاق که شامل تمامی منافع اقتصادی مال مورد حق نمی‌شود، در نظر عرف با مال مورد حق یکی شناخته نشده و اشتباه نمی‌گردد، هم‌چنین است حق دینی، یعنی در نظر عرف با مال مورد آن، که در صورت ایفاء تعهد بعداً حاصل می‌شود یکی شناخته نشده است.^۲

مال

اهل لغت مال را چیزی می‌دانند که انسان مالک شود.^۳ به بیان دیگر، آنچه شخص، یا جماعتی آن را تملک می‌کنند از قبیل کالا، یا حاصل تجارت یا زمین یا نقدینگی یا حیوان.^۴ فقها مال را اعم از ملک دانسته و صدق مفهوم مال در نظر آن‌ها متوقف بر «تصرف و تملک» نیست؛ بلکه به بعضی از اشیاء اعم از اعیان خارجی و غیر آن که مورد رغبت و نیاز انسان بوده و به آن تنافس و تفاخر می‌کنند و برای به دست آوردنش تلاش نموده و بر یکدیگر سبقت می‌جویند و در مقابل آن چیزی که مورد رغبت آنان است می‌پردازند، نیز مال می‌گویند، اگر چه تحت تصرف نبوده و تملک نشده باشد؛ مانند مباحات اولیه. از نظر اقتصادی «مال» به چیزی می‌گویند که مقدارش نامحدود و بسیار فراوان نبوده و به آسانی در دسترس همه نباشد، بطوری که هر کس به سادگی بتواند بر آن دست یابد و علاوه بر قابل استفاده بودن شخصی، قابل انتقال به دیگران نیز باشد.^۵

۱- ر.ک. امامی، حسن، حقوق مدنی، ۴۲/۱-۴۳.

۲- ر.ک. همان، ۲۰/۱-۲۱.

۳- قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، ۳۲۱/۶.

۴- سعدی ابو جیب، القاموس الفقہی لغة و اصطلاحا، ۳۳۴.

۵- حسینی، جعفر و قاضی زاده، محمد، اقتصاد در فقه اسلامی، ۲۳.

از نظر حقوقی، به چیزی مال گویند که دارای دو شرط اساسی باشد: اول اینکه مفید باشد و نیازی را برآورد، خواه آن نیاز مادی باشد یا معنوی. دوم اینکه قابل اختصاص یافتن به شخص یا ملت معین باشد. در گذشته واژه «مال» ویژه کالای مادی بود؛ ولی پیشرفت‌های زندگی کنونی بتدریج آن را از این معنی محدود و ابتدایی خارج ساخته است، چندان که امروز به تمام گوناگون دارائی (مانند زمین و اموال منقول و مطالبات و حقوق مالی و حتی حق تألیف و اختراع و سرقتی) نیز مال گفته می‌شود.^۱ با این وصف مال چیزی است که ارزش اقتصادی داشته و قابل تقویم به پول باشد؛ یعنی بتواند مورد داد و ستد قرار گیرد. بنابراین حقوق مالی؛ مانند حق تحجیر و حق شفعه و حق صاحب علامت تجاری هم، مال محسوب می‌شود.^۲

حق مالی

حق به دو قسم مالی و غیر مالی تقسیم می‌شود. در تعریف حق مالی گفته شده است: «حق مالی امتیازی است که حقوق هر کشور، به منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص، به آنان می‌دهد. هدف از ایجاد حق مالی تنظیم روابطی است که به لحاظ استفاده از اشیاء بین اشخاص وجود دارد و نمونه بارز آن حق مالکیت و شاخه‌های آن (حق انتفاع و ارتفاق) است».^۳ حق مالی خود به دو دسته‌ی حق عینی و حق دینی تقسیم می‌شود. در تعریف حق عینی گفته شده است: «سلطه‌ای است که مالی را به طور کامل یا ناقص در اختیار شخصی قرار می‌دهد و از رابطه‌ی مستقیم و قابل استناد در برابر هر شخص دیگر ناشی می‌شود. کامل‌ترین نوع حق عینی مالکیت است که به مالک حق همه گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد. حق دینی، حقی است که شخص بر دیگری پیدا می‌کند و می‌تواند از او انتقال و تسلیم مال یا انجام دادن کاری را بخواهد».^۴

حق غیر مالی

حق غیر مالی، که حق کار فکری یا معنوی و ادبی نیز خوانده می‌شود، امتیازی است که موضوع آن پیوندهای غیر مالی (غیر مادی) است. اگر چه حقوق غیر مالی در خور ارزشیابی مستقیم به پول نیست

۱- کاتوزیان، ناصر، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی- اموال و مالکیت، ۹.

۲- طاهری، حبیب‌الله، همان، ۱/۱۶۹.

۳- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ۳/۴۴۷.

۴- همو، نظریه عمومی تعهدات، ۲۴-۲۵.